

باب پنجاه و دوم- در مسئله اقتصادی

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



از آثار حضرت عبدالبهاء - مائده آسمانی، جلد ۲، صفحه ۶۱ - ۶۴

باب پنجاه و دوم- در مسئله اقتصادی

حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه میفرماید قوله تعالی:

دلیل امة الله مسس پارسنز علیها بهاء الله الاهی

هو الله

ای دختر ملکوتی، من در خصوص مسئله اقتصادی که بموجب تعالیم جدید است از برای شما مشکل فکری حاصل شده بود بیان چنان نبود ولی روایت چنان گشته لهذا اساس مسئله را از برای شما بیان میکنم تا واضح و مبرهن شود که این مسئله اقتصادی جز بموجب این تعالیم حلّ تامّ نیابد بلکه ممتنع و محال و آن اینست که این مسئله اقتصاد را باید از دهقان ابتدا نمود تا منتهی باصناف دیگر گردد زیرا عدد دهقان بر جمیع اصناف اضعاف مضاعف است لهذا سزاوار چنان است که از دهقان ابتدا شود و دهقان اول عامل است در هیئت اجتماعیّ باری در هر قریه‌ای باید که از عقلاء آن قریه انجمنی تشکیل شود که قریه در زیر اداره آن انجمن باشد و همچنین یک مخزن عمومی تأسیس شود و کاتبی تعیین گردد و در وقت خرمن بمعرفت آن انجمن از حاصلات عموم مقداری معین بجهت آن مخزن گرفته شود این مخزن هفت واردات دارد واردات عشریه - رسوم حیوانات - مال بیوارث - لقطه یعنی چیزی که یافته شود و صاحب نداشته باشد - دفینه اگر پیدا شود ثلثش راجع باین مخزن است - معادن ثلثش راجع باین مخزن است و تبرّعات. خلاصه هفت مصرف دارد: اول مصارف معتدله عمومی مانند مصارف مخزن و اداره صحت عمومی - ثانی ادای عشر حکومت - ثالث ادای رسوم حیوانات بحکومت - رابع اداره ایتم - خامس اداره اعاشه عجزه - سادس اداره مکتب - سابع اكمال معیشت ضروریّه فقراء. اول واردات عشر است و آن باید چنین گرفته شود مثلاً ملاحظه میشود که یکنفر واردات عمومیه‌اش پانصد دلار است و مصارف ضروریّه‌اش پانصد دلار از او چیزی عشر گرفته نمیشود. شخصی دیگر مصارف‌اش پانصد دلار است ولی وارداتش هزار دلار از او عشر گرفته میشود زیرا زیادت‌ر از احتیاجات ضروریّه دارد. اگر عشر بدهد در معیشتش خللی وارد نگردد. دیگری مصارف او هزار و وارداتش پنج هزار از او یک عشر و نصف گرفته میشود زیرا اضافه زیاد دارد. شخصی دیگر مصارف لازمه‌اش هزار دلار است ولی وارداتش ده هزار از او دو



ORIGINAL

عشر گرفته میشود زیرا اضافه زیادتَر دارد - شخصی دیگر مصارف ضروریّه‌اش چهار یا پنج هزار دلار است ولی وارداتش صد هزار از او ربع گرفته میشود. دیگری حاصلاتش دویست دلار است ولی احتیاجات ضروریّه‌اش که قوّت لایموت باشد پانصد دلار و در سعی و جهد قصوری ننموده ولی کشتش برکتی نیافته این شخص را باید از مخزن معاونت نمود تا محتاج نماند و براحت زندگانی نماید و در هر ده هر قدر ایّام باشد بجهت اعاشه آنان از این مخزن باید مقداری تخصیص نمود از برای عجزه ده باید مقداری تخصیص داد از برای نفوس از کار افتاده محتاج باید از این مخزن مقداری تخصیص نمود از برای اداره معارف مقداری از این مخزن باید تخصیص نمود از برای صحتّ اهل ده از این مخزن باید مقداری تخصیص نمود و اگر چیزی زیاد بماند آنرا باید نقل بصندوق عمومی ملّت بجهت مصارف عمومی کرد چون چنین ترتیب داده شود هر فردی از افراد هیئت اجتماعیّه در نهایت راحت و سرور زندگانی نماید و مراتب نیز باقی ماند در مراتب ابدأً خللی واقع نگردد زیرا مراتب از لوازم ضروریّه هیئت اجتماعیّه است هیئت اجتماعیّه مانند اردوئی است در اردو مارشال لازم جنرال لازم کلنل لازم کاپیتان لازم و نفر لازم ممکن نیست که کلّ صنف واحد باشد حفظ مراتب لازم است ولی هر فردی از افراد اردو باید در نهایت راحت و آسایش زندگانی نماید و همچنین شهر را ولی لازم قاضی لازم تاجر لازم غنی لازم اصناف لازم و زارع لازم است البتّه این مراتب باید حفظ شود و الاّ انتظام عمومی مختل گردد

انتهی